تامل در معنای اول؛ ترادف واژه‌ی جمیع با کلمه‌ی کل؛ مصدر صناعی کلیة دارای مفاد تاکید

شاگرد: کلیت مصدر صناعی نیست؟

استاد: از کل، مصدر درست کرده‌ایم. الآن این مصدر صناعی فعلاً نقشش چیست؟ ما داریم با حالت مسامحه‌ای از آن عبور می‌کنیم. و الا فعلاً کلیت یعنی همان کل. «جمیع‌ها» شد «کل».

شاگرد ۲: این ترجمه‌ی آن نیست.

استاد: نیست. بله؛ داریم با عبارت انس می‌گیریم.

شاگرد ۳: به چه صورت؟

استاد: این به‌عنوان سؤالی است که باید ببینیم جواب آن پیدا می‌شود یا خیر. ایشان ابتدا فرمودند: «کلیة الاجناس أي بجمیع الاجناس فانّها مشترکة في الامکان و الحاجة إلی الصانع أو بکونها کلیة»؛ بر می‌گردند و می‌گویند اجناس کلی هستند. این وجه دوم است. مرحوم مجلسی دو وجه را بررسی می‌کنند. در وجه اول می‌گویند: «کلیة الاجناس»؛ کلیت یعنی جمیع. می‌گوییم: خُب، کلیت که مصدر صناعی است. شما به جمیع معنا می‌کنید. جمیع مرادف کل است، نه کلیت. گاهی است که با تاء و مصدر صناعی می‌خواهیم مبالغه را برسانیم. اگر بگوییم «کل الاجناس»، یعنی همه. اما اگر بخواهیم بگوییم «کل ِکل ِکل»؛ همه‌ی همه، مانعی ندارد که ما مصدر صناعی درست کنیم.

شاگرد: برای مبالغه با «تاء» داریم اما با «یاء» و «تاء» هم داریم؟

استاد: جویندهٔ، یابندهٔ است!

شاگرد ۲: از آن طرف «کلت» نداریم.

استاد: «کلت» نداریم اما «کلیت» داریم. ببینید در مصدر صناعی، شما ابتدا آن را منسوب می‌کنید و بعد به آن «تاء» اضافه می‌کنید؛ می‌گویید کلی. اصلاً چطور است که مصدر صناعی با این دو حاصل می‌شود؟ یعنی الآن یای کلیت در مصدر صناعی چیست؟ واقعاً مصدر صناعی را دو

پسوند درست کرده است؟ ای خیر، یک پسوند است؟ «یت» خودش یک پسوند است؟ شما می‌گویید انسان، انسانیت. این «یت» خودش یک پسوند است، چه کار دارید که آن را تحلیل می‌کنید؟ واقعیتش کدام است؟

شاگرد: حُر، حُریت.

استاد: بله، حر و حریت. دو کار انجام ندادهاید؛ ابتدا حر را حریُ‌کنید و بعد بگویید «حریتُ». خُب، اگر به این صورت بروید مصدر صناعی با یک پسوند درست شده است، اما اگر مبنایی باشد که به تحلیل برود و هم ای آن نقش ایفاء می‌کند و هم تای آن، در اینجا حرف فرق می‌کند.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:33:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:35:53 توسط ... .